

چوپان فداکار، فرشته نجات ۲ کودک

نرگس دختر ۷ ساله به زیرآب کشیده شده و غیب می شود اما لباس هرطور شده ۳ پیکر نیمه جان را از آب بیرون می کشد و ...



تشنگی پسر خردسال چوپان او را داشت تا سراغ موتور آب برود. صحنه‌ای که می دید ترسناک بود؛ ۴ کودک در استخر مصنوعی غرق شده بودند و نوزادی در یک قدامی استخر بود!

ربایش خانم مربی از جلوی خانه اش

موقعیت اول: مقابل خانه مریم / نیمه شب است و کوچه در تاریکی شب فرو رفته است. باران نم نم کوف کوچه و ...



زن جوان وقتی در شب بارانی مقابل خانه اش می رفت، فکر نمی کرد چه بلایی سرش خواهد آمد. صبح روز یکشنبه ۲۰ فروردین ماه است. زن جوانی دارد خودش را به سختی از پله های دادسرای جنایی تهران بالا می کشد.

این زن را قضاوت نکنید به کمک نیاز دارد



زن زندانی که مادر سمیرا است



پدر سمیرا قربانی جنایت

مادرش در زندان بسر می برد، مسئولیت نگهداری از خواهر و برادر کوچک تر خودش را به عهده گرفته و به خاطر همین از ادامه تحصیل بازمانده است. پدیس، زن قربانی جنایت و مرد جوان را که همدستش بود دستگیر کرد. مرد و زن جوان هر ۲ به اتهام مشارکت در قتل محکوم شدند، متهم اول به قصاص و متهم دوم به زندان محکوم شد که با گذشت ۴ سال از وقوع این ماجرا متهم مرد توانست با پرداخت ۳۰۰ میلیون تومان از قصاص رهایی یابد. سارا ۲۸ سال سن داشت که با نوزادی در شکم پای در زندان گذاشت و در همان جا فرزندش را به دنیا آورد. حالا پسر او ۴ ساله شده در حالی که پدرش را ندیده و هنوز محیط بیرون از زندان را ندیده و هنوز را تجربه نکرده است. به سراغ سمیرا دختر ۱۸ ساله سارا رفتیم. او در این سال ها که

زندگی ما بسیار دور از آجاست اما با این حال خواهر و برادرم را به مدرسه فرستادم و دوست دارم هرچه زودتر خودم هم به مدرسه بروم. سمیرا افزود: می خواهم زن تحصیل کرده ای بشوم تا بتوانم حق انتخاب داشته باشم و به خانواده ام کمک کنم. مادر بزرگ سمیرا که همراه او برای امرار معاش در خانه مردم کار می کند نیز گفت: دخترم سارا ۱۴ سال بیشتر نداشت که به اصرار شوهرم ازدواج کرد، بعد از مدتی فهمیدم که شوهرش او را از اذیت می کند. دخترم حتی چند مرتبه تصمیم به خودکشی گرفته بود اما دیگر نمی شد کاری کرد. مادر سارا گفت: من بیماری قلبی دارم اما با این حال مجبورم در سردخانه کار کنم تا بتوانم شکم نوه هایم را سیر کنم. ما در گوشه ای از حسینیه نیمه کاره زندگی می کنیم، اگر دخترم خودش بیاید بهتر می تواند به فرزندانش برسد.

پلیس نشان می داد همسر مقتول با مشارکت مرد غریبه که دوست مقتول بوده است سناریوی قتل را اجرایی کردند. بدین ترتیب نیروی پلیس با تحقیقات پدیس، زن قربانی جنایت و مرد جوان را که همدستش بود دستگیر کرد. مرد و زن جوان هر ۲ به اتهام مشارکت در قتل محکوم شدند، متهم اول به قصاص و متهم دوم به زندان محکوم شد که با گذشت ۴ سال از وقوع این ماجرا متهم مرد توانست با پرداخت ۳۰۰ میلیون تومان از قصاص رهایی یابد. سارا ۲۸ سال سن داشت که با نوزادی در شکم پای در زندان گذاشت و در همان جا فرزندش را به دنیا آورد. حالا پسر او ۴ ساله شده در حالی که پدرش را ندیده و هنوز محیط بیرون از زندان را ندیده و هنوز را تجربه نکرده است. به سراغ سمیرا دختر ۱۸ ساله سارا رفتیم. او در این سال ها که



زن باردار که در جریان درگیری و اختلاف قبلی به اتهام مشارکت در قتل شوهرش به زندان افتاده است حالا پس از گذشت ۴ سال برای رهایی از زندان به ۲۵۰ میلیون تومان پول نیاز دارد. به گزارش خبرنگار «ایران»، شاید در بازخوانی اولیه این پرونده جانی قضاوت عجولانه ای داشته باشیم پس بهتر است کمی تأمل کنیم. این پرونده شاید با قتل مرد جوان در خانه اش شروع شده باشد اما وقتی بخواهیم ریشه این جنایت را درست درک کنیم باید به آغاز اختلاف های این زوج اشاره کنیم. رسیدگی به این پرونده از ۴ سال قبل و از زمانی شروع شد که درگیری خونینی بین ۲ مرد و یک زن در خانه ای در کمالشهر کرج شروع شد. وقتی پلیس به خانه رسید با جسد مرد جوانی روبه رو شد که در اتاق پذیرایی روی زمین افتاده بود و تحقیقات گسترده

سوزن های پنهانی



اکثریت قربانیان اسیدپاشی نه تنها در ایران، که در جهان، زنان هستند. جرم اسیدپاشی معمولاً توسط افرادی انجام می شود که به دلایل مختلف، از جمله رقابت در بازار فروش، و تسلط بر افراد خاص، یا انتقام گیری از افراد خاص، به این روش روی می آورند

کرد که توان ایستادن نداشتند. آنها حتی آینه با آن جنایتی که با زندگی اش شده بود، زندگی را ادامه داد و داد خواهی کرد. او از تلاش برای رسیدن به حق قانونی خود برای قصاص اسیدپاش خسته نشد. آنقدر پله های دادگاه را بالا و پایین رفت تا حکم قصاص را گرفت. حکم اینگونه بود که باید با یک فرزند پزشکی، عامل این اسیدپاشی، برای قصاص چشمش با اسید نابینا می شد. آینه در این مصاحبه که پیش از زمان اجرای حکم قصاص انجام شد، گفته بود: «نزدیک به هفت سال است که آواره و سرگردان شده ام. در این سال ها فقط رنج کشیده و به خود گفته ام این امتحان الهی بوده است. باور کنید، هیچ کس نمی تواند با کوس های مرا حتی در ذهن خود تصور کند؛ پارچ قرمز اسیدی که به یک باره تمام وجودم را به آتش کشید.» او گفت برای اجرای این حکم، به انتقام فکرمی کند: «من کینه ای نیستم، در این سال ها دروغ از یک احوالپرسی و کمک از سوی خانواده مجید، من در این مدت به این باور رسیدم که اجرای این حکم را برای خودم نمی خواهم.» آینه می گوید این حکم را برای جامعه می خواهد: «می خواهم اجرای حکم درس عبرتی باشد برای کسانی که ناجوانمردانه از اسید استفاده می کنند. وقتی حکم قصاص چشم های مجید صادر شد، به من گفتند بیا تا حکم را اجرا کنیم؛ اما من گفتم باید خبرنگارها هم باشند تا خبر این قصاص به گوش کسانی برسد که می خواهند با اسید، زندگی دیگران را تباه کنند.» و در نهایت آینه، متهم را تا خود تختی که باید قصاص می شد، کشاند. هیچ کس نمی باور نمی کرد، دختری که تا این حد مصمم در گرفتن حکم قصاص از متهم است، درست

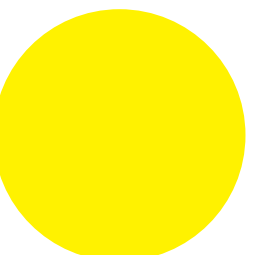
شده است از همه راه های تماس تلفنی و ارتباطات در فضای مجازی، او را مسدود کردم. چند روز بعد از این اقدام، کودکم در آغوشم بود. در کوچه خانه پدری در حال قدم زدن بودم که ناگهان صورتم سوخت، اسید را پاشید. دخترم هم سوخت. کمی از اسید روی خودم ریخت، خودش هم سوخت. پدرم برای کمک آمد، او هم سوخت.» یک خانواده، قربانی روان پریشانی یک مرد به خاطر نبود فرهنگ سازی مناسب برای کاهش جرم اسیدپاشی در ایران و کمزنگ بودن اقدامات نهادهای پیشگیری از جرم شدند. این اولین اسیدپاشی در ایران نیست و آخرین آن هم نخواهد بود. این زخم در جامعه بدون تلاش های نهادهای فرهنگی برای کاهش ارتکاب این جنایت ادامه دارد. معروف ترین پرونده اسیدپاشی در چند دهه اخیر به پرونده آینه بهرامی برمی گردد. دختری زیبا که با زبان روزه از محل کار برمی گشت که خواسنگاری که به او جواب رد داده بود، ناگهان مقابلش ظاهر شد و سطل اسید بر صورت آینه پاشیده شد.

مرد و زن از دادگاه خانواده خارج می شوند. دیگر جوانانی مجرد بودند. زوجی که از هم جدا شدند و یک دختر خردسال نیز داشتند. مرد اما بعد از طلاق همچنان تماس های تلفنی خود با زن را ادامه می داد تا آن روز سیاه که یک خانواده در اسید سوختند. زن می گوید: «چند هفته بعد از جدایی به تماس های همسر سابقم پاسخ می دادم. فکرمی کردم این طور بهتر می تواند با جدایی کنار بیاید ولی وقتی متوجه شدم این تماس ها بیشتر از اینکه برای درک جدایی برایش مفید باشد موجب وابستگی

اسیدهایی که جان می سوزانند!

گزارش

آتری آذر خبرنگار



ایران

حوادث

سال بیست و نهم • شماره ۸۱۵۹ • دوشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۲ • ۱۹ رمضان • Monday • 10 April 2023 • Vol 8159



برای مطالعه متن کامل این خبر و سایر اخبار به این نشانی مراجعه کنید

تیترها

عجیب ترین گفت وگو با قاتل پدرکش را بخوانید
دستان خون آلود همبازی ۳۰۰ میلیارد دلاری تام کروزر در تهران



جزئیات خودکشی خانم روانشناس از زبان خودش

یک زن روانشناس با ۲۲ سال سابقه، در بیمارستان سیلان تأمین اجتماعی اردبیل خودکشی کرد.

بازگشت به زیر تیغ بعد از ترک ایران

پسر جوان که پیش تر از طناب دار دور شده بود این بار از سوی قضات دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد.

سیم های برق مهمترین دلیل برای آینده خطرناک بازار تهران است

فاجعه در کمین بازار تهران به دلیل فرسودگی یکی از محل های پر خطر است؛ اما آیا تا به حال به نوع سیم کشی در بازار دقت کرده اید؟ بازار تهران، پر است از سیم هایی که در هم پیچیده شده و مثل کلافی سرد در کم رها شده اند.

پایان ابهامات خودکشی پزشک آبادانی در جنجال فاجعه متروپل

پرونده پر حاشیه خودکشی پزشک آبادانی که سال گذشته با شایعات زیادی همراه بود برای همیشه بسته شد.

تورا هم می کشم!

وحشت خبرنگار از قاتل زنجیره ای خونسرد

در لحظه ای که متهم فاصله ای تا نایبانی و قصاص ندارد، فریاد برزند که قصاص نکند. و تلاش کرد که حق قصاص را بگیرد تا اسیدپاش ها بدانند از قصاص در امان نیستند اما در وجود آن دختر انسانیت جایگاه گسترده تری از حس انتقام داشت. او از انتقام گذشت. آینه همچنان با آن چهره زندگی می کند. حتی کتاب زندگی خود را نوشته است. اما نقطه تلخ ماجرا آنجاست که تلاش نهادهای فرهنگی برای از بین بردن آمار اسیدپاشی

قوه قضائیه می تواند قوانین و مقررات مربوط به اسیدپاشی را تقویت کند، مجازات عاملان را افزایش دهد و واحدهای پلیسی تخصصی را برای تحقیق و پیشگیری از این گونه جرایم ایجاد کند